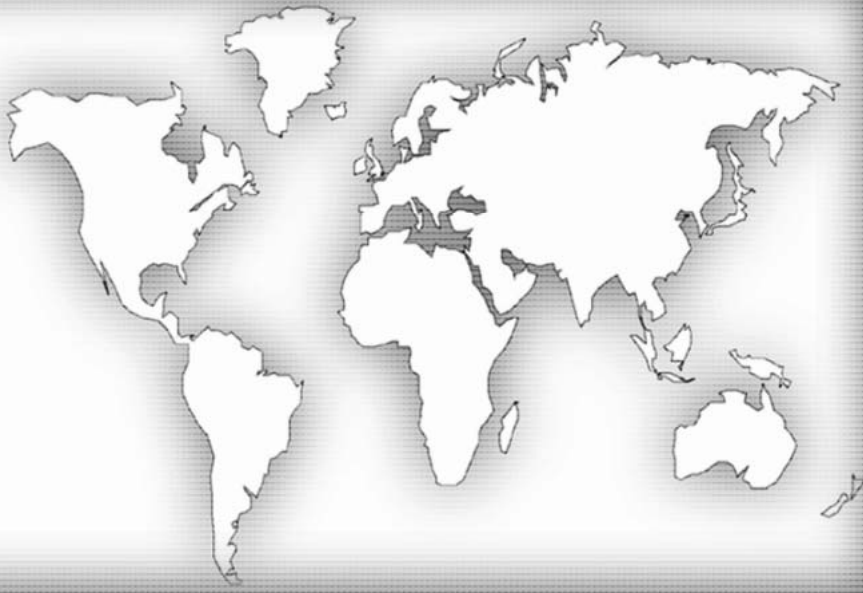


# مصالحه

شاھراھ ڊموکراسی



**F**riedrich-Ebert-Stiftung (FES) was founded in 1925 as a political legacy of Germany's first democratically elected president, Friedrich Ebert.

As a private cultural non-profit making organization, it is committed to the principles and basic values of social democracy.

FES maintains its own representations in some 60 countries of Africa, Asia, the Middle East and Latin America. In addition, the Friedrich-Ebert-Stiftung maintains office in 33 countries of East and West Europe, the former Soviet Union, and also in the USA and Japan.

FES sees its activities in the developing countries as a contribution to promoting peace and understanding between peoples, and also inside the partner countries; supporting democratization of the state and society and strengthening the civil society, improving general political, economic and social conditions; reinforcing free trade unions and developing independent media structures; facilitating regional and worldwide co-operation between states and different interest groups and gaining recognition for human rights.

FES established its Afghanistan office in 2002.

**مصالحه - شاهراه دمو کراسی**

Published by:  
Friedrich-Ebert-Stiftung

Afghanistan Office  
Shahr-e-Naw, Charahi Ansari,  
behind Setara Hotel, Yaftali Street  
Kabul, Afghanistan

Email:  
[info@fes.org.af](mailto:info@fes.org.af)  
[www.fes.org.af](http://www.fes.org.af)

First edition, 2007

Designer: Sayed Hussain Musavi

Printed by...

©Friedrich-Ebert-Stiftung Afghanistan 2007

This book is not for sale!



## فهرست مطالب

4	پیشگفتار
6	1- مصالحه - آموزش عالی دموکراسی
8	2- کثرت گرایی - اساس آزادی و دموکراسی
11	3- سه روش برخورد با منافع و اختلافات
13	4- دموکراسی - روشی برای حل منصفانه منازعه
16	5- منازعه، توافق، مصالحه
18	6- بستر دموکراسی، نه دیکتاتوری اکثریت
20	7- انواع منازعه ها و اشکال مصالحه ها
23	8- مصالحه ناسالم - اشکال و دلایل
24	9- مصالحه تحقق ایده آل در جهان
26	10- مصالحه و اعتماد
28	11- مصالحه - شانسی برای ثبات
30	12- فرهنگ سیاسی مصالحه
32	13- افهام و تفهیم، فراهم سازی مصالحه
33	نتیجه

## پیشگفتار

تاریخچه تمام دموکراسی‌ها این نکته را به اثبات رسانیده‌اند که مؤسسات موفق بابازده کاری، زمانی مورد قبول واقع شده‌اند که خود را با شرایط خاص کشور و فرهنگ داده‌ها و همین فاکتور مهمی در موفقیت‌شان بوده است.

همچنین موفقیت و عدم موفقیت عمده دموکراسی‌ها، فاکتورهای ضعیفی هستند که در فرهنگ سیاسی این مؤسسات جایگزین شده‌اند.

و این فاکتورها شامل نگرشها، رسومات، اشکال رفتارها، شناخت ارزش‌ها، اعتقادات و توقعات می‌باشند.

نخبگان سیاسی و جامعه از آنها هدایت میشوند. زمانی که تضادهای سخت بین نظریه مؤسسات و عادات نخبگان سیاسی و اکثریت جامعه رخ می‌کند در این حالت حتی بهترین مؤسسات دموکراتیکی هم دوام و پایداری همیشگی ندارند و تاثير گذار نخواهند بود، تا اعتماد همه را کسب کرده و مشروعیت‌شان برای منافع همه به رسمیت شناخته شود.

مهم‌ترین شرایط دوام مؤسسات دموکراتیکی و عملکردشان در بخش فرهنگ سیاسی، اعتماد و قابلیت برای مصالحه عاقلانه می‌باشد. هر دو فاکتور اعتماد و قابلیت برای مصالحه هوشمند به یکدیگر وابسته‌اند و باید یکدیگر رشد می‌کنند. درجائیکه این دو قوی و نافذ هستند، جامعه می‌تواند تجربه مفیدی کسب کرده و منافع دموکراسی حفظ شود و همین درک واقعی از دموکراسی است.

و اگر تمام مردم در این تجربه سهیم باشند، در نتیجه دموکراسی بزرگ بنیان مستحکم استوار است.

دموکراسی در قدم اول یک سیستم متشکل از مؤسسات نیست، بلکه از تفکر و مرسومات خبرگان و مردم حیات می‌گیرد.

جائیکه اصول اکثریت فقط برای ممانعت و سوءاستفاده بخاطر منافع شخصی، بر علیه دیگر افراد جامعه بکار برده می‌شود بی‌اعتمادی و سوظن افزایش می‌یابد و دولت به دست کسانی اداره می‌شود که فقط به فکر منافع خود می‌باشند. مصالحه "یک آموزش عالی دموکراسی" نامیده شده است چراکه تجربه تمام دموکراسی‌ها اثبات می‌کند که این عنوان شایسته وارزنده‌ای برای اوست.

در عمل مصالحه مجریان یاد می‌گیرند که از مؤسسات دموکراسی صحیح استفاده کنند و این باعث رشد اعتماد در تمام جامعه می‌شود و در نهایت منافع دموکراسی‌ها برای کل جامعه به ثبوت می‌رسد.

اما در اینجا باید این نوع مصالحه از مصالحه لی که با تغییر پرنسپب و برلی منافع مؤقت  
"مصالحه ناسالم" طرح ریزی می‌شود کاملاً متمایز شود.  
فرهنگ مصالحه هوشمند یکی از شروط اعتماد و موفق دموکراسی می‌باشد.



## 1- مصالحه - آموزش عالی دموکراسی

در تعریف واژه مصالحه بر این نکته تأکید می شود که آن زمانی امری سود مند و واجب قلمداد می شود که هیچکدام از طرفین از توانایی کفای برای رسیدن به اهداف شان برخوردار نیستند و مصالحه برای پیشبرد اهداف و اعمال سیاسی نقش تصمیم گیرنده ایفا می کند.

مصالحه در جایی برای حل منازعه استعمال میشود، که منافع قدرتمندان را همیشه تامین نکرده و بدین دلیل تصامیم در حل موضوع مورد سؤال قرار نگرفته و پایدار میباشند.

در این چنین موارد، راه حلهای تحمیلی با مشکلات فراوان و فقط با صرف هزینه های هنگفت، از طرف عاملین با نفوذ تر پیش برده میشود که اکثراً کوتاه مدت هستند تازمانی که تناسب قدرت و قوه ها تغییر کرده و موازنه بوجود میاید .

اکثراً مصالحه برای حفظ منافع، هزینه را کمتر می کند.

در مصالحه دویا چندین طرف متعهد می شود که هرکدام از آنها، از رسیدن به منافع کامل خود صرف نظر کنند تازمانی که همه طرفین تاحدی اهداف شان را محقق سازند.

و به همین دلیل مهم است که این مبادله منافع طوری صورت بگیرد که همه آنها قبول کرده و نتیجه بدست آمده مشروع و با ثبات باشد.

بنابراین مصالحه موفق به طرفین ید میدهد که تجارب مشترک، توجه و مراعات متقابل، همکاری منصفانه و ملاحظه منافع همه بر تصمیم گیری بسته جمعی و ارزش دلایل برای تصامیم سیاسی والاتر و برتر از قدرت طلبی هستند.

مصالحه وقتی به موفقیت میرسد که منافع تمام گروهها در دادن - گرفتن و مبادله سود - زیان در نظر گرفته شود و هیچکدام از طرفین معامله برای رسیدن به اهداف شخصی شان از تمام قدرت در دسترس شان بر علیه منافع و اهداف دیگران استفاده نکنند و هیچ کس در این پروسه بازنده نمیباشد. در نتیجه اعتماد و اطمینان به دیگران و ارزش قائل شدن به همدیگر این معرفت را بوجود می آورد که، رسیدن به منافع و اهداف شخصی همیشه امکان پذیر نیست، بلکه باید تمام این موارد را برای دیگران مهم در نظر گرفت.

مراعات منافع و ارزشهای همگان یکی از هدف های مهم دموکراسی است.

درست گرفتن قابلیت و توانایی، در صورت امکان تمام منافع حقوقی به این نیت که آنها در جامعه نمایندگی کنند و در پروسه مشاوره و تصامیم سیاسی در نظر گرفته شوش که این از ضروریات اساسی و مهم دموکراسی میباشد.

به این دلیل باید یاد گرفت برای کارکرد اجتماعی و دستیابی به مصالحه هوشمند

از عادات، رسومات و توانائی های که دموکراسی محتاج آنست استفاده کرد، تا مردم از آن قدردانی و حمایت کنند. بر این راستا، فرهنگ مصالحه یک آموزش عالی دموکراسی است.

مصالحه تمرین توانائی هاست که دموکراسی خوستان را آنتست.

## 2- کثرت گرایی - اساس آزادی و دموکراسی

در واقعیت سیاسی واجتماعی همیشه این نکته نتیجه می‌شود که اگر فشار بیرونی، مصنوعی و یا زور نباشد، اختلافات و تقوتهای درمنافع و ارزش‌های آنها، از دو دیدگاه سیاسی آرزو و امیدواری می‌آورد.

کثرت‌گرایی برای پذیرش اختلاف نظرها و در یک سازمان سیاسی بوجود می‌آید چون در آن همه یکسان و برلی تک تک گروه‌های اجتماعی و طبقات مختلف جامعه شرکت دارند. کثرت‌گرایی اجتماعی که بیانگر نظریات، ارزشها و دیدگاه‌های مختلف است نشانه‌ای آزادی می‌باشد.

کثرت‌گرایی سیاسی که سازماندهی منافع و ارزشهای مختلف رابه عهده دارد و هدفش شرکت درپرو و سه سیاسی می‌باشد به دموکراسی تعلق می‌گیرد، دموکراسی از کثرت‌گرایی حیات می‌گیرد و شکل متناسب از دستاورد خلاق آن می‌باشد. یک بخش عمده و اساسی که دموکراسی آن را ممکن و ضرور می‌سازد فهم و درک تفاوتها در انسانها از نقطه نظر منافع و اهداف شان می‌باشد.

کثرت‌گرایی در عمل همواره کثرت و گوناگونی گروهها می‌باشد، یعنی کارگران، کارفرماها، زارعین، تجار و مردم یک منطقه بایک دین، که آنها بایک طرز فکر سیاسی- فرهنگی باهم متحد میشوند تا منافع و خواسته‌های خود را بهتر، در پروسه‌ای سیاسی کشور شان مطرح سازند. کثرت‌گرایی سیاسی همیشه کثرت گروهی سازمان‌ها، جمعیت‌ها و حزبهای مختلف میباشد.

به این دلیل دموکراسی محتاج به چنین مؤسسات، قرار دادها و روشهای می‌باشد که برای گوناگونی جامعه مناسب است و به آن شکل سیاسی میدهند و از آن هم تصمیمات سیاسی بدست می‌آید.

آزادی و تأسیس جمعیتها و سازمانهایی که آزادی عمل و خودگردانی و فعلیت جامعه مدنی و تأسیس آزاد حزبهایی که به یک سیستم چند حزبی تعلق دارند، ماهیت و نشانه دموکراسی می‌باشند. وقتیکه منافع و ارزشهای مختلف به طور یکسان برآورده نشود، تفاوت‌های اجتماعی به منازعه سیاسی کشانده میشوند. منازعه برزندگی سیاسی دموکراسی یک امر طبیعی است.

منازعه آشکار بخاطر منافع و ارزشها در چهار چوب یک مصالحه و اساس و اصول دموکراسی می‌تواند و باید برای اتحاد تا اندازه‌ای وجود داشته باشد.

درخواست سوان سیاسی معتبر که آنرا نفی می‌کنند در واقع این نفی بخاطر قطع خواسته‌های مشروع سازمانها و احزابی که در پروسه دموکراسی شرکت دارند و این بیشتر بخاطر منافع یک گروه می‌باشد که به اسم منافع همگانی بکار برده می‌شود. تمام مجریان دموکراسی بهتر است که با امکانات موجود برحل مسائل منازعه قدم

بردارند و برای هیچکس تضمین نیست که در مرتبه بعد خودش طرف منازعه نباشد و احتیاج به کمک گروهی قوی تر نداشته باشد، البته نتیجه مثبت و سازنده منازعه سیاسی میتواند برلی تجربه همگن و مجریان مفید باشد و آنها را به همدگر نزدیک سازد و در نهایت همیشه روش منصفانه و توافق در حل منازعه برلی مصالحه آنها را بسیار به یکدیگر نزدیک میسازد. بهمین دلیل در فرهنگ سیاسی توافق در منازعه و توانائی برای مصالحه خوب دموکراسی را زنده نگه میدارد.

تمام انسانها به گروه و دسته های اجتماعی مختلف تعلق دارند مثال یک زارع از یک منطقه کشور که مذهبی میباشد بایک بازرگان از همان منطقه که مذهبی هم میباشد هر دو از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای خواسته ها و منافع مختلف هستند ولی در چارچوب مذهبی و منطقه ای هم نظرهاستند بر پراکتیک (در عمل) اینگونه هم گرائی زیل است. برای رسیدن به همین اهداف، منافع مختلف محدود میشود تا جامعه از هم نپاشد.

همیشه منافع مشترک موجود اساس خوبی برای مصالحه منصفانه است. به خواسته های مشترک و توافق دموکراتیکی که برلی حل منازعه برلی کثرت گرائی مهم است ارج نهید که به دشمنی و ممانعت از توسعه نینجامد بلکه برای ابتکار و شایستگی بکار برید.

در حکومت قانون و دموکراسی آزادی اتحادیه ها است. این حق هر شهروند است و تمام شهروندان این چانس را دارند که برای حفظ منافع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا منطقه ای جمعیت ها و سازمانهای را تشکیل بدهند و تشکیلات سازمانی اقتصادی مانند سازمان های کارفرمایان، سندیکاها و زارعین در جامعه مفهوم پیدا میکنند که آنها وظیفه دارند برای رسیدن اهداف یعنی بستن قرارداد و شرایط کاری اعضایشان مثل سندیکاهای کارگران و کارفرمایان باهمدیگر مذاکره کرده تا بتوانند بتوافق برسند.

بغیر از آن سازمانها و جمعیتها برلی دست یابی به اهدافشان و برلی بهبود شرایط زندگی اعضاء خود در چارچوب اجتماعی- سیاسی در سیاست مداخله میکنند و برای همین محافظ قانون و لوایحی هستند مثلاً قانون مالیات قانون کار، سیاست و معارف تا وضعیت آنها را تغییر نامطلوب ندهند این مفهوم مشروع از دموکراسی است تا زمانیکه اینها بر علیه اکثریت مردم و برای دسترسی به قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتر قدرت سیاسی خود را جا نشین نکنند.

برلی نفوذ سیاسی خود سازمانها چهار وسیله مشروع را در اختیار دارند.

- 1- آنها میتوانند اعضاء خود را برلی دادن رای معینی دعوت کنند.
- 2- آنها میتوانند از طریق رسانه هانظر عموم را متاثر سازند.
- 3- آنها میتوانند بعنوان سازمانهای حفظ منافع به ادارات و حکومت ها تأثیر گذارند.
- 4- آنها میتوانند از طریق اعضاء شان که عضو حزبها هم هستند در مناکرات به طور غیر مستقیم در برنامه ها و کارکردهای احزاب نفوذ داشته باشند.

دموکراسی عهده دار این است که منافع مختلف را به طور سازنده و منصفانه اداره کند.

تمام اینها نه تنها برای مفهوم دموکراتیکی و شرعی بلکه هم برای حل و فصل و برای سیاست جامعه و حفظ منافع آن مفید است تا وقتی که سازمانها از طریق قدرت خود و به ضرر تمام جامعه نخواهند نفوذ و فشار آورده و منافع خود را تحمیل کنند.

اما این سازمانها و جمعیتها هم مجبور اند در چهار چوب دموکراسی نظام داخلی خود را هم طور دموکراتیکی شکل بدهند که در واقع مصالح و منافع عضویشان مطرح باشند نه اینکه فقط وسیله قدرت یابی برای اقلیت سران خود باشند.

### 3- سه روش برخورد با منافع و اختلافات

بهتر است که نظریات خواسته‌ها و تصامیم موجود در جامعه به طور آشکار مطرح شود که آنها در پروسه سیاسی آورده شده تا شهروندان رانسبت به دستگاه‌های سیاسی مطمئن کرده و از آنها دوری نوزند.

خصلت سیاست و هنر دموکراسی در این است که از خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های گوناگون یک اتحاد عملی بوجود می‌آورد که از جانب همه مورد قبول واقع شود. این زمانی محقق می‌شود که روش‌های سیاسی برای خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های گوناگون به منظور اتحاد بکار برده شود و این از طرف تمام شرکت‌کنندگان مشروع و منصف احساس شود. این معنای دموکراسی است که راهی را انتخاب کند که همه شانس مساوی برای شرکت در عملکردها و پروژه‌های دولت داشته باشد البته مهم است که افرادی که نمایندگی سیاسی و کرسی‌های دولت را در اختیار دارند، مطابق اصول و موکراسی وظیفه شناس و متعهد باشند.

درواقع برلی برخورد با منافع مختلف چهار استراتژی سیاسی موجود است:

**1- سلطه طلبی:** این است که چندین نفر و یا یک شخص برای رسیدن به اهدافشان بر علیه دیگران بدون ملاحظه مخالفت دستگاه قدرت را با زور به دست می‌گیرند. این روش دیکتاتوری در تضاد کامل با دموکراسی است.

**2- ساخت توافق:** این روش که در بحث و گفتگو و تبادل نظرات برای دستیابی به توافق می‌باشد این پروسه به وقت و دقت و همچنین به مشارکت و فعالیت همگان ضرورت دارد. و به همین دلیل این روش به خاطر صرف زیاد وقت و متودها همواره امکان پذیر نیست.

**3- رأی و تصمیم اکثریت:** در این روش تصمیم اکثریت موجود که در جامعه و یا در گروه تصمیم‌گیرنده موجود نظرهای خود را بر علیه اقلیت پیش می‌برند و در این فرم منافع و نظریات اقلیت را در نظر نمی‌گیرند و برلی همین مشکلاتی را بربردارد.

زیرا اگر اقلیت امروز به اکثریت فردا تبدیل شود همان روشی را اتخاذ میکنند که در گذشته برخوردارشان تحمیل شده است تصمیمات اکثریت بدون توافق به ندرت دوام می‌آورند و طولی مدت نیستند.

**4- مصالحه:** این روش که در یک پروسه آگاهانه توافق بدست می‌آید و هیچ طرف به تنهایی نمی‌تواند منافع و نظریات کامل خود را به دیگران تحمیل کند و عاقلانه هم نیست، این روش برپایه تفاهم می‌باشد و طرفین درگیر از خواسته‌های مطلق خود صرف نظر کرده و در نهایت این توافق بدست آمده، جزئی از خواسته‌های کلی آنها می‌باشد و باید آنرا راضی و قانع باشد، زیرا که با دوام و تضمین شده برای آینده مهم هستند.

## نتیجه

روش عمل استبدادی، مخالف شروط آزاد دموکراسی است. این نه تنها به دلایل الگویی قابل قبول نیست بلکه این روش سیاسی در عمل بی ثباتی به دنبال دارد. چون حکومت استبدادی همیشه منجر به مقاومت مردم میشود و از هم گسیختگی نظام موجود را باعث میشود.

روش توافق همیشه مطلوب است، اما به دلیل زیاد اکثرأ این روش به ندرت تنها برای مسائل اساسی، رفاهی و سهولت مردمی استعمال میشود.

تصمیم اکثریت بدون مصالحه که منافع و نظریات اقلیت در نظر گرفته نمی شود به دلیل روش سیاسی خوبی نسیت. اولاً استراتژی اکثریت با تصمیمات و روشهای بی ملاحظه خود قسمتی از جامعه را از دموکراسی بیگانه میکند و به این دلیل پایه های فرهنگی، سیاسی و دموکراتیکی را سست و متزلزل میکند و تعداد زیاد از مردم را نسبت به اعتماداتشان مأیوس می کند و در صورتی که دموکراسی باید برای منافع تمام مردم باشد. وثانیاً، تصمیمات بدون مصالحه برای همیشه ثابت نیست چون همیشه کسانی که در تصمیمات سهیم نبوده اند برای انجام تغییرات آن دست به اقدامات می زنند و به همین دلیل برای درازمدت به سود مجریان آن نمی باشد.

هم چنین روش اکثریت دموکراتیکی می بایست یک معیار عقلانه برای مصالحه بکار گیرد که حتی الامکان خیلی از خواسته های اقلیت را در تصمیمات منظور کنند تا آنها هم در تصمیمات سهیم بوده تا اعتماد شان را نسبت به دموکراسی استوار کرده و ثبات تصمیمات گرفته شده را بهتر کنند.

مصالحه یک شیوه تصمیم گیری می باشد که نتایج آن برای ثبات و دوام امنیت دموکراسی حتمی می باشد و این رمز موفقیت فرهنگ دموکراسی است.

#### 4- دموکراسی - روشی برای حل منصفانه منازعه

به دنبال مبارزه برلی برقراری دموکراسی و بعضی مواقع شکست آن در کشورهای غیر اروپایی مخالفین این مسئله را مطرح میکنند که این استراتژی فقط برلی فرهنگ اروپا و نه برلی دیگر کشورهای جهان مفید است و این مانند یک عنصر بیگانه تحمیل می شود. و برای استدلال آن به تاریخ امپریالیستی اروپا و دوران پیشین استعماری اشاره میکند که اروپا پس از عقب نشینی از کشورهای یک میراث مشکوک را به جا گذاشته اند و یا برقراری دموکراسی دروازه ای را برای نفوذ و تضمین قدرت اقتصادی غرب باز گذاشته اند. هر فردی که این نظر را دارد برای بهتر شدن وثبات دموکراسی علاقه مند نیست، بلکه میخواهد مستبدانه بدون هیچ مانعی حکومت را به دست بگیرد.

این تصور ماهیت و هدف وامکانات دموکراسی را کاملاً ارج نمیدهد و شرایط و مبارزه خواسته ها (منافع) را که برای ایجاد دموکراسی در اروپا اتفاق افتاده نادیده میگیرند. و در مبلحث قدرتمندان سیاسی جنوب شرق آسیا در سالهای 80 و 90 قرن بیستم که بر علیه دموکراسی مطرح کرده اند در واقع این اعتراضات بیشتر برای محدود کردن اعتبار عمومی حقوق بشر بوده است.

برلی اینکه این سوال را جواب بدهیم مجبوریم اول فرق مابین منشأ تاریخی و ماهیت آزمایش عملی دموکراسی بگذاریم به طور مثال خیلی از دستاورد های فرهنگ شرقی که موفق و مورد اعتبار بوده بالخره در جهان شنلخته شده اند همانطور هم دستاورد های غربی میتوانند، اگر آنها موفق و برای دیگران مورد اعتقاد هستند در بخشی از جهان مفید شناخته شوند.

در ترمین دموکراسی مدعیان زیادی از فرهنگ های مختلف از قرنهای پیش (تاریخهای قبلی) هستند بعنوان مثال در مرسومات افریقائی برای حل منازعه از تمام ریش سفیدان قوم استفاده کرده با گفتگوی جمعی به حل آن میپرداختند و در جنوب و جنوب شرق آسیا نوع خوداداری بوده مثالهای برای این منظور هستند و در قرن پنجم قبل از میلاد در یونان دموکراسی اولین و بزرگترین جوانه را داشته است و البته برای کوتاه مدت و در فرهنگ مربوط بوده که خانم ها و غریبه ها و برده ها در آن شرکت داده نشده اند (از آن محروم بوده اند).

و با وجود این غوب در تمام تاریخ دراز مدت خود از ترویج مسیحیت (از قرن چهارم) تا انقلاب مردمی در قرن هیجده عملاً هیچ کجا در دموکراسی نقشی نداشته است و در غرب تا زمانیکه دین مسیحیت قدرت را در دست داشتند نه بعنوان معیارونه عملاً حق حیات داشت.

البته حفظ حقوق محدودی برای گروههای مختلف اجتماعی تضمین شده بود و این نوع



دموکراسی در فرهنگ های دیگر هم موجود بوده و غرب از این موقع دموکراسی کاملاً بدور بود. این برای دموکراسی مشخص ومدعیان با ید بفهمند که دموکراسی قبلاً جزء انغام کننده فرهنگ غرب نبوده است. بلکه بیشتر در یک لحظه تاریخی که سنت فرهنگی مسیحی غرب از هم پاشیده شده در آن موقع دموکراسی هم بوجود آمد.

دموکراسی پیدایش خلاق مییابد برای این باید با پیشرفت هلی جدید آن سازنده رفتار کرد و این ثمره یک پروسه طبیعی فرهنگ غرب نیست.

اینها چهار تحول جدیدی بودند که بالاخره در آخر دموکراسی به تنهایی از همه برای حل مسائل وهمزیستی شناخته شده و مورد قبول واقع گردیدند :

**1- توسعه شهرهای بزرگ که جمعیت شان از فرهنگها وادیان مختلف تشکل شده اند. یاد گرفتند که همدیگر را بفهمند و ارزشهای همدیگر را احترام گذارند.**

**2- تجزیه جامعه زراعتی ملوک الطوائفی ساکن وتعویش تدریجی آن بوسیله اقتصاد پویایی تجاری صنایع وکارخانه و شهروندان آنان با افزایش نقششان در زندگی اقتصادی واجتماعی وتلاش وسهم داشتن در ساختار سیاست.**

**3- تفکیک داخلی بخاطر روایات دینی از زمان نهضت اصلاح دینی در قرن شانزدهم ثابت شد که دین، که مدتها ضمانتی برای اتحاد سیاسی بود، حالا سر چشمه لی برای اختلافات و منازعه مییابد.**

**4- توسعه اقتصاد مدرن میدانهائی را برای شکوفائی خلاقیت ها و شرایط مطمئن برای مجریان آن قاضا میکرد. همکاری این تحولات که باروشنگرائی در قرن هیجده یک فکرنوینی رامطرح کرد بعد از آن یک جنبش سیاسی جدید پیش آورد که به تحکیم حقوق بشر و دموکراسی در حکومت منجر وشناخته شد که اینها تنها امکاناتی هستند که تمام مردم راباوجود اختلافاتشان بمساوات میرسانند. دموکراسی وحقوق بشر باهمدیگر بهترین راه حل برلی برطرف کردن مسائل تازه دینی و اختلافات اجتماعی بوده و پویائی برای توسعه تحولات مییابند. فرهنگ مسلط مسیحی غرب در قرون وسطی مدرنیزم را وقتی کرد که کثرت گرایی وتوسعه طلبی پویا بود ودموکراسی یک مدل شناخته شده برای سازمان های خود جوش جامعه انتخاب شد.**

دموکراسی فرهنگ مخصوص غرب نیست بلکه بهترین طریقه برای حل منازعه منافع در راه مدرنیزه است.

این وسیله ارتباط موجود دموکراسی مدرن نشان میدهد که این یک تعبیر پلان شده ای غربی نبوده بلکه طریقی جدیدی برای حل مسائل جدید است :

- ازچه طریقی میتواند یک جامعه به یک نظام مشترک واقدام متحدانه که از طرف همه پذیرفته شده باشد برسد که در آن توقعات مختلف، ادیان و ارزشهای گوناگون نقش داشته باشد ؟

- چطور میشود یک حکومت سیاسی را به توقعات، ارزشها وعقیده های مردم مربوط ومشروط کرد که مردمی عمل کنند؟

- چگونه میتوان ارج و منزلت یکسان تمام انسانها را برای یک همزیستی مجتمع ارزش داد؟

## 5- منازعه، توافق، مصالحه

منازعه یک مبدأ اجتناب ناپذیر برای جامعه های آزاد هست که درگیری هلی منطقه ای، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و قومی در آن طبیعی است. این منازعه ها مواد خام و بنیان سیاست می باشند.

برای اینکه این منازعه ها با دموکراسی پیش برده شوند ملزم به یک توافق عمده و آمادگی برای مصالحه (شروط آن) می باشد. توافق باید حداقل ارزشهای بنیادی قانون اساسی را شامل باشد مثال حقوق اولیه، روش تصمیم گیری دموکراتیک، و درباره مهمترین اساسی ترین هدفهای مملکتی که تمام جمعیت را در بر می گیرد

روش توافق: توافق بمعنای دقیق به اتفاق نظری گفته میشود که کل مجریان و گروههای مختلف شرکت کننده برای حل مسئله معینی با توجه به خواسته ها پروگرام های سیاسی گوناگون در لجرلی آن هماهنگی کرده اند.

برای منافع جامعه توافق مهم است و این روش (توافق رسیدن) باید درباره حل منازعه و حفظ حقوق اولیه و معتبر هر فرد و هدفهای متداوم عمومی کشور بکار برده شود پس توافق در واقع هسته وجود بنیادی قانون اساسی معتبر و فرهنگ سیاسی را در بر می گیرند.

19

منازعه: منازعه هائی که درخیلی از فرهنگ ها به این دلیل منفی و پرهیز پذیر در پیش آمدهای سیاسی تلقی میشوند، در واقع یک ابزار بیان مستقیم برای آزادی و یک عنصر پویا برای تفاهم سیاسی می باشد. بدون بیان واضح درخواست های سیاسی گوناگون و هدفهای رقبای سیاسی نمیتوانند باهم همراهی کنند و اینها هیچ شانس درپروسه ابراز عقیده و تصمیم گیری ها نخواهند داشت و هیچ امکاناتی نیست که مردم از آن شناخت داشته و بدانند که چه اندازه آنها در حل مسائل موجوده شرکت داده شده اند. منازعه ها خصوصیت ویژه ای دارند که امکانات دید ها و راه دیگری را برای ارزشها و خواسته ها باز میکنند پس بدین دلیل تأثیر آن برای پروسه یادگیری در جامعه و اظهار نظر فردی و برای توسعه جامعه و کل آزادی مفید میباشد.

منازعه ها بدون توافق اساسی ویران کننده، توافق بدون میدان عمل برای منازعه فلج کننده است و دموکراسی را محدود میکند اینها کشور را از سیاست دور می سازند.

هسته فرهنگ سیاسی دموکراسی است که مابین توافق و منازعه در رابطه تغییر و تعویض پویا میباشد. در واقع آنقدر توافق لازم است که از منازعه ها جلوگیری کند و پایه های

همزیستی و قدردانی همگانی برای روش زندگی صلح آمیز و حل مسائل را بخطر نیاندازد. اما همان اندازه هم منازعه لازم است که آزادی و میدان عمل برای ابرازیان و خواسته هلی جامعه را تضمین نماید یکی از روشهای پویا برای حل منازعه ها برپایه توافق مصالحه منصفانه میا شد که هدفها، قراردادهای تصمیمی و حقوق اولیه همه در جامعه را شناخته و بر مبنای توافق تأکید می کند و بمنزاعین امکاناتی نشان میدهد که چطور در این چهار چوب منافع همه را در نظر گرفته و حفظ نمایند.

## 6- بستر دموکراسی، نه دیکتاتوری اکثریت

یک سوء تفاهم قدیمی که در نظرها و عملکرد های دموکراسی مدرن وجود داشت و مدتی است رفع شده است، این بود که میگفتند دموکراسی انحصار قدرت مذان اکثریت میباشد و دموکراسی که بر این اصول کار میکند بدلائل زیادی خود را حذف می کند.

چون موقعی که حقوق اولیه تمام انسانها درسته حفظ شوند درین موقع دموکراسی میتواند دوام پیدا کند. در غیر این صورت اکثریت فعلی میتواند با امکانات عملی سیاسی واجتماعی اقلیتها را طوری محدود کند که در اینها هیچ موقع دیگر شانس ساخت اکثریت را بدست نیاورند. بر نتیجه این روش خاص اکثریت حذف دموکراسی را در قبال دارد. اما دلایل دیگری هم بر آن وجود دارد که اصل نامحدود بودن اکثریت خود به تنهایی بمعنی یک اصل دموکراتیکی نمی تواند تعریف شود.

مهمترین دلایل نابودی دموکراسی میتواند قرار نیل باشند:

- فقدان مشروعیت، چون او مرتب بخیلی از خواسته های مشروع و ارزشها در جامعه اعتنا نمیکند.

- محدود کردن قابلیت عمل سیاسی اقلیت، چون اکثریت میتواند اعتبار حقوق اولیه سیاسی اقلیت را محدود کنند و یا از بین ببرند ( مثل آزادی گرد همائی، آزادی جمعیتها، آزادی بیان وغیره).

- فقدان پیروزی بازده ها ( دستاوردها ) چون اگر منافع اقلیت مغلوب بکلی با تصمیمات اکثریت حکومتگر بر آورده نگردد در این صورت اقلیت ها ارزشی در دموکراسی برای هدفهایشان نمی بینند.

- فقدان ثبات، چون اقلیت مواعلت نشده در کوتاه یا بلند مدت دنبال راههای دیگری برای توجه بمنافع خود میگردند و یا طرفداری خود را از دموکراسی امتناع میورزند.

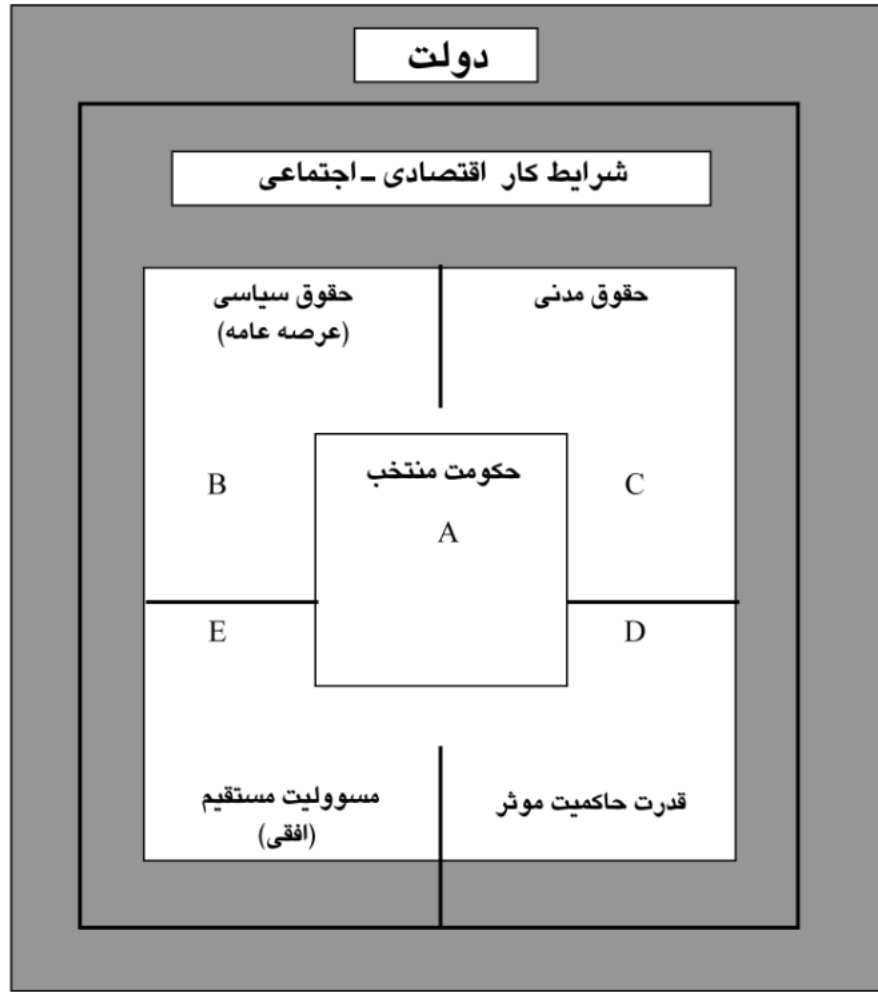
برای اینکه به دموکراسی بعنوان اصول اکثریت ثبات داده شود ملزم این شروط میباشد:

1- اهمیت نا محدود و مستقل برای حقوق اولیه فرد.

2- یک جامعه مدنی فعال که شرکت مداوم مردم را برلی حیات سیاسی تضمین کند.

3- یک سیستم حقوقی کارکن که تحقق (قبولاندن) حقوق همه لی مردم را ضمانت کند.

4- فرهنگ سیاسی دموکراتیکی که اعمال جامعه و نخبگان سیاسی را با ضابطه و قرارداد هلی دموکراسی وفق بدهد. تمام این شرایط از طرفی اصول دموکراتیک اکثریت را محدود کرده و از طرف دیگر بر پایه مساوات حقوق اولیه عمومی آشنا میشوند و تا جاییکه اعتبار آن اجازه می دهد مشروع، مفید و دوام پیدا میکند.



## 7- انواع منازعه ها و اشکال مصالحه ها

منازعه ها در واقع حالات مشکلات سیاسی را نشان میدهد، بنوع دیگر، منازعه ها اشکال مختلف خواسته های سیاسی مجریان میباشند. چون اختلافات سیاسی همیشه آنهای میباشند که از طریق یک سازمن برای حل آن اقدام میگردد، اگر مورد قبول همگان قرار نگیرد منجر به منازعه می گردد.

منازعه ها میتواند خود را در خیلی از زمینه های مختلف مثل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و منطقی گسترش دهند. سیاست در این موقع باید برای سر نوشت و آتیه و برای حل مسائل و مشکلات یک رویه صلح آمیز ادغامی برای تمام خواسته ها و منافع بکار برد.

### انواع منازعه

سه شکل اساسی ساده منازعه که رابطه پروسه سیاسی و امکانات برلی مصالحه خوب را بر قرار میکنند:

**1- اختلافات ابتدائی:** منازعه ها در ابتدا بخاطر نظرات مختلف بوجود میاید که در اثر مباحثه های زیاد به یک توافق منجر میشود مثال در مورد خواستاری رخصت های ملی و یا تعیین مقدار مالیات.

در این پروسه به همه امکان داده میشود که بهترین دلایل را مطرح و انتخاب کرده و بالاخره نتیجه ان مورد قبول همگان باشد. این نوع منازعه ابتدائی سیاسی برای دستیابی توافق بر پایه پروسه درک و تفاهم با همدیگر و مقیاس منافع و ضرر بکار برده میشود و اکثراً به مسائل اساسی جامعه مربوط ولی کمتر مواقع به حل اختلافات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصروف میشود.

**2- منازعه تقسیم جمعی:** ان موقع است که بعنوان مثال سهم تعیین شده از تولید ناخالص ملی بین گروههای اجتماعی باید تقسیم گردد. در این حالت سهم یک طرف بهمان اندازه کم میشود که از طرف دیگر بیشتر. برلی رفع چنین منازعه منافی راه مذاکره پیش برده که هر کدام از مجریان با تهدید تعویض ضرور یا با هوس منفعت بیشتر به توافق برسند. و همچنین امکان دارد که در آخر پروسه از طریق تصمیمات اکثریت و با حفظ منافع اقلیت به توافق دست یابند.

درین حالت باید در دموکراسی نشان دانه شود که حاصل مصالحه برلی همه مناسب و مورد قبول است و توافق بدست آمده با روش و تصمیمات بی طرفانه گرفته شده و اقلیت فعلی هم در آینده به منافع خود دست خواهد یافت و مشروعیت این تصمیمات

دموکراتیکی تضمینی برلی اقلیت است که از شانس خود استفاده کرده و با دلایل قانع و با بسیج و فشار سیاسی بتواند اکثریتی برلی خود ایجاد کند.

**3- منازعه صفر جمعی:** این حالت اگر بوجود می آید در اشکال حکومتی چه سلطنتی جمهوری مذهبی و یا در شکل جدائی دین از سیاست ( سکولار ) بر حل مسائل خود فقط تنها منافع یک طرف را در نظر گرفته و منافع طرف مقابل را اصلاً " مطرح نمیکنند. این نوع منازعه ها در زندگی سیاسی کمتر جادارد بلکه در مسائلی که شامل ارزشهای مذهبی هستند پیش می آید و فرد اصلاً هیچگونه امکاناتی برای رسیدن بمنافع نقشی را بازی کرده نمیتواند.

حتی در حالتی که منازعه به تمام یا صفر رسیده است برلی طرفین منازعه ممکن است که باز قسمتی از مسائل خود را بتوافق و مصالحه برسانند. در اینجا هنر نمائی سیاست لازم است که هسته اصلی باعث منازعه را بیرون کشیده تا طرفین منازعه زیر فشار قوار نداشته باشند و با آزادی به رفع منازعه بپردازند و در موقعیتی قرار نگیرند که تفکر ناطلی منازعه، مسائل را حل ناپذیر کند.

**4- منازعه جمع مثبت:** در حالتی موجود است که در مشاوره ها معلوم میگردد که امکانات برای حل مسئله موجود است و همه شرکت کنندگان در آن سهم دارند این نوع را وین-وین مینامند( هر دو جانب برنده هستند) این حالات بیشتر در مشکلات تصمیمات کارگران در تجارت خانه های اقتصادی پیش میآید.

در اول بنظر میرسد که این منازعه فقط بخاطر خواست های کارگران برای مدیریت مشترک و پا فشاری کار فرما برلی حق تصمیم تنهایی میباشد در واقع اینجا یک منازعه جمع صفر است ولی در مشاوره ها، راه ها و اشکال مختلف برلی مدیریت مشترک پیدا میشود که تمام ثمره و منافع اقتصادی کار فرما افزوده، چون کارگران از آن استفاده و تشویق میشوند و تجربیات شلن را در شرکت بکار میاندازند.

**منازعه و مصالحه :** هنر سیاست در اینست که حتالامکان خیلی از خواسته های اولیه در منازعه را از طریق توافق و مصالحه حل کند و فقط در موارد استثنائی وسیله وساطت در میان آورد. تجربه بتوافق رسیدن اعتماد به ارزشهای دموکراتیکی را قوی و روش تصمیم گیری را ارج میدهد.



## 8- مصالحه ناسالم - اشکال و دلایل

در خیلی از کشورها و گروه‌های جامعه، مصالحه سیاسی یک شهرت بدی دارد درحالیکه هرفرد از آن مطلع است که درزندگی برای حل مسائل خانواده‌ها و همسایگی محبور به مصالحه بوده اند و این یک وسیله عملی برای حل مشکلات می‌باشد.

تحقیق شناسائی مصالحه سیاسی می‌تواند دلایل مختلف داشته باشند یکی از آنها درفرهنگ سیاسی استبدادی سرچشمه می‌گیرد و انسانها به آن عادت کرده اند که هرکسی که قدرت در دست دارد منافع خود را بدون سازش پیش میبرد و آنرا روش قوی و قابل موفقیت می‌داند. اینجاست که این مصالحه سیاسی شهرت بدی پیدا میکند و این نایاب غیر اخلاقی و علامت ضعف می‌باشد.

دلیل دوم برلی انتشار تصورات منفی، میتواند تجارب بد مردم از مصالحه سیاسی باشد چون این بخاطر مصالحه ناسالمی میباشد که مجریان سیاسی بعضی مواقع با آن اقدام کرده‌اند.

به عنوان مثال، اگر درکشوری یک حزبی بهمه قول داده است که فوراً پرداخت عوارض دانشجویان را حذف میکند. اما پس از پیروزی در انتخابات و به دست گرفتن قدرت بقول خود بدون دلایل مهم عمل نمیکنند و فقط میخواهند منافع خوهرم حزبی هایشان را تضمین کند به این دلیل و حقیقتا اکثریت مردم جامعه این را مصالحه ناسالم می‌خواند.

مصالحه ناسالم و اشکال آن خیانت بهدفاها، ارزشها و خواسته‌ها میباشد که مجریان برای تحقق این هدفها قبلاً قول داده اند و ارج میداده اند ولی درعوض حالا هدف های خودخواها نه را دنبال کرده که به هیچ وجه نمیشود از آن نفع کرد.

خیلی مواقع سیاست بخصوص موقعی که هنوز دموکراسی مستحکم نیست بسیاری ازهدف های خواسته شده خود قبل ازانتخابات رابعداز پیروزی قربانی منافع سیاستمداران خودخواه میکند.

این نوع خیانت اگر بنام مصالحه لازم، اعلام گردد که هیچ بهانه معقولانه‌ای برای آن نیست پس این استراتژی سیاسی و مصالحه درانظارعموم مثل یک خیانت محسوب میشود. این چنین مصالحه ناسالم تمام برنامه مصالحه ردر زبان عام بد نام و درطویل‌المدت حیثیت اش را ازبین میبرد.

## 9- مصالحه تحقق ایده آل در جهان

فیلسوف آلمانی لئونارد نلسون مصالحه مفید را شکل تحقق ایده آل در جهان خوانده است.

دستیابی و نزدیکی به هدفهای ایده آلی تحت امکانات و شروط موجود در زندگی واقعی همیشه و فقط بامصالحه ممکن است. هر شخص در زندگی شخصی خود مطلع است که هدفهای ایده آل با شرایط موجود در جهان هیچ وقت کاملاً بدست نمی آیند و همه همچنان اطلاع دارند که نه تنها امکانات عمل محدود می باشد بلکه هدف های ایده آل هم به طور نامحدود عرضه میشوند

البته بغیر از این حقیقت پیش پا افتاده چگونگی مسئله همیشه در زندگی اجتماعی و همگانی یک نقش مهمی را داشته و دیده شده که دو الی چندین مجری هیچ موقع کاملاً هدفهای متفق را دنبال نکرده و همیشه بین شان اختلافات کوچک و بزرگی وجود داشته است و این ها تاجاییکه در تضاد اساسی نباشند این برای اجرایی عملی همگانی برای مصالحه واجب است. چون هدف های انسانها همیشه باهمدیگر کاملاً مطابقت ندارند و مترادف باهم نیستند در این موارد هم مصالحه واجب و ملزم و ممکن میشود. بعنوان مثال وقتیکه در کشور یک حزبی با اکثریت خود حکومت را در دست گرفته و در برنامه و مبارزه انتخاباتی قول داده بود که سیستم آموزشی را مدرن کرده و زیر بنای مملکت را میسازد او در یک زمان نمیتواند در دو بخش مختلف بسیار پرخرج مملکتی پیروز شود چون او به هیچ وجه به اندازه کافی ذخیره در اختیار ندارد.

در این صورت او باید با خودش و گروههای رای دهنده اش یک مصالحه ای ببندد که مقداری از ذخیره موجود را در توسعه سیستم آموزشی و مقداری هم در توسعه ساخت زیر بنایی کشور سرمایه گذاری کند اگر هم و با اینکه این دو بخش کاملاً طبق انتظار توسعه نبوده است اما در هر حال پیشرفتی در آن دیده می شود.

اگر حزبی در اثر سیستم انتخاباتی و نتیجه انتخابات فقط در ائتلاف با حزب دیگری حکومت میتواند کرد. هر مصالحه ای هم که بدست می آید فقط در چهارچوب هدفها و منافع مختلف این دو شریک میتواند باشد. و این دل و گرفت میشود یعنی این یک حزب در این صورت برای رسیدن به هدفهای خیلی مهم اش جهد می کند.

و در صورت دیگر مجبور است در مسائل دیگری که حزب دیگر خواسته هایش را بکوسی می خواهد بنشانند همراهی داشته و آن را قبول کند

مثال دیگری: اگر حزبی از این دو حزب حاکم به رأی دهندگان خود قول داده است که تمام سرک های دهات مملکتی را درست کرده و آنها را بسرک های اصلی مرتبط سازد، اما بعد از انتخابات متوجه میشود یا ذخیره باندازه ای کافی نیست و یا اینکه در اثر ائتلاف

حزب دیگر توسعه بخش زراعی را اولویت میدهد در این صورت نه تمام سرک های دهات، بلکه مقداری زیادی ساخت سرک ها میتواند یک مصالحه قابل پذیرش باشد. در اینجا است که این حزب برلی امتحان خود هدفهای ایده آل را بررسی کرده که آیا توانسته است به تمام آنها دست رسی پیدا کند. این چنین مصالحه با دلایل خوب و ملزم باید مورد قبول واقع گردد تا سیاست مورد اعتماد قرار گرفته و چون با تصمیمات بوجود آمده است.

**دلایل کافی وجود دارد که مصالحه بدست آمده موقعی معتبر باشد که اهداف اولیه و تعهدهای مجریان شناخته باشند.**

اگر حزبی بخاطر ترس و یا نفرت بر علیه هر مصالحه ای در مشارکت در دولت خودداری میکند، کمتر میتواند به هدفهایش برسد و در موقعیت سیاسی دیگری اصلاً بآن دست نمی یابد.

و در این صورت مصالحه بسته شده و در این شرایط کاملاً فرسنگها از هدف ایده آلی بدور است.

خودداری برای دستیابی مصالحه را بتوان بدلائل خوبی بعنوان خیانت به هدفهای ایده آلی دانست، چون به این طریق واقعا در تحقق هدفها کوتاهی شده است.

## 10 - مصالحه و اعتماد

در تحقیقات تجربی و در فرهنگهای جهان تکراراً تأیید شده است که اعتماد یکی از مهمترین پایه های دموکراسی پیشرو میباشد. با اعتماد در رابطه سیاسی سه منظور مطرح میشود :

- خوشبینی، که همه مردم چه در زندگی اجتماعی و چه در زندگی معمولی با آن سروکار دارد، آماده هستند که خواسته های عموم را جوی گرفته و در اعمال خود بکار ببرند.  
- امید باینکه قول و قراردادهای متعهد جامعه عمل بخود گیرد.  
- بخصوص قبول اینکه هر دو موضع برای مردم معلوم و شناخته شده است و این مستقل از آن است که این مردم به چه جنسیت، اصلیت کجایی، گروه اجتماعی شغل و دین تعلق دارند.

آنجا که اعتماد مردم به همدیگر به اندازه کافی بوده و با مقیاس توانا آمادگی دارند، میتوان یک فرهنگ دموکراتیک را پرورش داد و اعمال مردم را پایه گذاری کرد و روی این پایه، اساس پیشرفتگی کار موسسات دموکراتیکی قرار گرفته است.

این نه تنها شامل تناسبات موسسات و گروه های مختلف منافع به همدیگر میباشد بلکه بهمان اندازه و مقیاس شامل حیات داخلی اتحادیه های اجتماعی مثل : احزاب، سندیکاها، اتحادیه کارخانه داران، سازمانهای غیر دولتی و یا اتحادیه و کلوب های فوتبالیست ها می شود.

هر قدر آمادگی برای مصالحه در اعضا و مجریان جامعه کمتر باشد به همان اندازه هم خطر تجزیه بیشتر است. البته بعضی مواقع تجزیه ها اجتناب نا پذیر هستند و در این مواقع توافق به کمترین شکل هم، ممکن نمیشود. تجزیه های خواسته و ناسنجیده معنی توانائی نیست بلکه ضعف در دستیابی به هدف میباشد. مصالحه ها در اعتماد اجتماعی نقش کلیدی را دارند از یک طرف همه فرض میکنند که دیگران قراردادهای محتوای مصالحه را مراعات میکنند اگر چه این ها باب میل همه نباشد. اما اگر توقع و امیدی در آن نباشد آمادگی برای مصالحه در اصل کم میشود.

آکترأ بی اعتمادی باعث وسوسه ی دردست گرفتن قدرت بر علیه مخالفین و لچار آنان به تحمیل منافع خود را دارد چون این تصور را دارند که دیگران هم همین رفتار را با آنها خواهند کرد.

حاصل چنین اعمالی که اغلب کوتاه مدت است، چون آنها برلی رسیدن به هدفها و منافع از شانس خود استفاده کرده و هر چیزی را که توانسته برای خود جذب میکند قبل از اینکه تعویض قدرت صورت بگیرد، اما بالاخره و در واقع این معنی باختن همه چیز را همراه دارد.

از طرف دیگر توافق ها اعتماد بوجود میآورد اگر حاصل قرارداد ها از طرف تمام

مشترکین حفظ شود، پایه ای تجربه و اعتماد همیشگی بوجود میآورد جایکه بستن مصالحه معمولی و عادی گودیده که در عمل و بکاربردن ان بین شرکت کنندگان رابطه تفاهم و اعتماد بهمیدگر وجود دارد این در حالی است که شرکت کنندگان بقول و قرارهایشان مراعات کرده اند حتی اگر در مواردی هم که علیه منافع شان قرار گیرد و از آن پیشتنبانی کرده اند. چنین رابطه اعتماد وقتی به امید تبدیل میشود که دستیاب، اکثریت به حکومت از طرف مخالفین فلجعه خوانده نشود در اینجا اصول دموکراتیکی آموزش میدهد که تعویض دولت برای جناح مخلف قابل قبول و عادی تلقی میشود با این دلیل هم باید جناح مخالف دولت به نقش خود به عنوان اپوزسیون احترام گذاشته و سازنده باشد و نه اینکه فقط نقش خود را بعنوان یک اهرم برلی مبارزه با دولت و با تمام قدرت بکار برد. البته تمرین این قرار داد ها و تعویض دولت با جناح مخالف (اپوزسیون) یک مبدا مهم برای آموزش فرهنگ دموکراتیکی و اعتماد میباشد. جائیکه دموکراسی آموزش و تعلیم شده است میتواند بحران ها و منازعه های سختی را بر طرف سازد اما جائیکه این تعلیم صورت نگرفته منازعه ها و بحرانها به مبارزات سختی تبدیل میشوند و بی اعتمادی مجریان و احزاب نسبت به همدیگر بیشتر میگردد.

گسترش کسب اعتماد و گسترش بی اعتمادی یک گرایش قوی رو به افزایش دارند. اعتماد وقتی گسترش پیدا میکند که عادات مؤسسی و تجربه ها روی ان تکیه میدهند و بهم نزدیک میشوند. گسترش بی اعتمادی معمولاً وقتی نزول می کند که شرکت کنندگان - مجریان تلاش خود را متوقف کرده اند.

مصالحه های مفید سیاسی، وسیله ای عالی برای ساخت اعتماد ابتدائی و در صورت نا چیز بودن هم بنا میشود و در مدت زمان تدریجی از طریق تجربه متقابل و صداقت برای حل مسائل وسعت پیدا میکند.

با این دلیل مصالحه مکتب عالی دموکراسی نامیده شده و برعکس هم میشود مطرح کرد که دموکراسی یک مکتب عالی برای مصالحه میباشد.

## 11- مصالحه - شانس برای ثبات

دموکراسی در ورای خیلی از مشخصات که دارد دو شرط مهم برای آن ملزم است:  
1. اصلاً هر حزبی که قدرت و دولت را اگر هم موقتاً در دست میگیرد باید حقوق اولیه هر فرد و همگان را تضمین کرده و سعی کند خیلی از خواسته های مشروع مردم را در پروسه تصمیمات منظور بدارد.

2. اصلاً، کلام بولتی که حکومت میکند باید او میدان عمل سیاسی و اجتماعی را انقدر باز کند که همفکران سیاسی مخالف با همدیگر برای پیروزی و بدست آوردن حکومت در انتخابات آینده همکاری کند و تاکثریت را هم بدست آورد.

در مقاسیه با الگوی زمامداران سیاسی باستانی و مذهبی و با توجه بارزشها فرهنگی آنها: قراردادهای دموکراتیکی از نظر آنها ضعف و نا توانی را بیان کرده و براین عقیده هستند که گروهی که قدرت سیاسی را در دست میگیرد با تمام قدرت و توانایی برای حفظ آن باید بکوشد. در این شرایط مدرنیزم، قدرت سیاسی تمام اعتبار های مذهبی را از دست میدهد و قراردادها و اصول مذهبی که برای " همه چیز یا هیچ " بوده است، برای همگان سازندگی نمی آورد.

اگر گروه کوتاه مدتی هم قدرت را در دست میگیرد و با مخالفت سختی مواجه خواهد شد. مخالفین این روش با تمام وسایل ملزومه بر سقوط این حکومت اقدام میکنند و در صورت پیروزی هم آنچه را که بدون پروا بدست آورده اند دو باره مورد خطر قرار میگیرد.

این یک استراتیژی غیر عاقلانه و فاقد تفکر سیاسی میباشد سازنده ترین راه حل برای رفع مسایل در اینست که با شراکت همه چه در حکومت و چه نظام کشوری، باید ظرفیت های همه را برای پلان طویل المدت بکار برد تا یک ثبات برای همگان ایجاد کند که همه با هم آنها را در استراتیژی اعمال خود در نظر گیرند.

فرهنگ دموکراسی مدرن، وسیله ثبات را در توسعه فرهنگ مصالحه میدانند و با وجود مزیت ها و پیامدهای دیگری که در آن هستند ولی در درجه اول ثبات آور است.

تمام شرکت کننده گان همیشه اگر هم قسمتی از خواسته های سیاسی خود را بدست آورند بدون اینکه در حکومت هم شریک باشند در آخر هم برنده هستند.

چون ثبات بدست آمده اجازه موقدیت، دولم اعمال پلان شده پیشاپیش را امکان پذیر و پیوستگی ایجاد میکند، گاهی مانع تعویض ناگهانی سیاست هم شده و بدین دلیل مصالحه عاقلانه را امکان پذیر کرده است که صرف نظر از قسمتی از منافع خصوصی

خود، در حساب کل توازن بوجود می‌آورد. در این صورت برلی "تمام و یا هیچ" ریسک نکره در نتیجه برنده هم است.

مصالحه با این دلیل یک استراتژی سیاسی عاقل و بصیرت‌گر و پیش بین می‌باشد.

برای رفع تشدید منازعه یکی از مهم‌ترین قرار داد های عاقلانه دمکراتیکی، همکاری میباشد که برلی حل آن ممتازاً مصالحه بکار رفته و میتواند از طریق یک سازش قبلی که سمبولیکی می‌باشد منافع مستضعفین را در تصمیمات سیاسی آتیه منظور گرداند و از این طریق جلوی تشدید و خشن شدن منازعه را گرفته و پایه همکاری و پذیرش موسسات دمکراتیکی را مستحکم می‌کند.

هیچ دموکراسی، حتی اگر چه نقص هم داشته باشد به تنهایی از کیفیت موسساتش حیات و دولم پیدا نمیکند، پس چه دردی را دوا میکند اگر حق رای انتخاباتی خوبی را داشته ولی مردم را با زور یا ترساندن از انتخابات دور نگه دارند و یا موقعی که شهروندان در مورد حزبهای انتخاباتی هیچ اطلاع ندارند، مردم چه کار میتون کرد که خواسته های شان را در انتخابات مطرح نمایند در صورتی که هیچگونه معلومات در دست ندارند. سیستم چند حزبی و انتخاب اکثریتی چه کمکی میکند اگر بخش بزرگی از جامعه اینها را قبول ذکره و برای نفی آنها اقدام میکنند.

برلی اینکه موسسات دمکراتیکی واقعاً دموکراسی بیاورند و ثبات داشته باشند جامعه احتیاج به یک فرهنگ سیاسی قوی دارد.

فرهنگ سیاسی بطور کل احتیاج به معلومات و تفکر موجود در جامعه و ارزش های احساسی و اخلاقی آن را در سیاست ضروری و با مفهوم میباند. بالخصوص فرهنگ سیاسی دموکراسی خواستار توسعه این قابلیت ها و مرسومات میباشد:

- معلومات کافی در باره سیستم های سیاسی و امکانات شراکت در تعلیمات و نتایج آن برلی جامعه.

- دلبستگی عاطفی و پشتیبانی اخلاقی از ارزشهای اولیه دموکراسی و از موسسات سیاسی آن.

- درک مثبت و فعال از نقش خود به عنوان شهروند و مسوولیت خود برای منافع جامعه. بغیر از این راهنمایی های اساسی برلی ثبات دموکراسی، راهنمایی های مهم دیگری هم وجود دارند:

فرهنگ دمکراتیکی یک بازی مبادله مابین توافق و منازعه و آمادگی برای مصالحه مفید می باشد که انتقال نظر بنیادی و در مشاجره های پر جوش در برنامه سیاسی و منافع آن ایجاد شده و در دموکراسی این عمل سیاسی خیلی عادی می شود.

آموزش سیاسی میتواند نقش خود را در معلومات دهی فرهنگی سیاسی و دموکراسی مردم از طریق مکتب، مطبوعات، دانش بزرگسالان، سننیکا ها و گردهمایی ها ایفا کند. اما بزرگترین سهم در آن تجربه سیاسی خود شهروندان میباشد که در تجارب با موسسات و مجریان سیاسی و اتفاقاتی که در سیاست رخ می دهد کسب میکنند.

همیشه سهم مهم برای نمایاندن فرهنگ سیاسی کشوری در رفتار و اخلاق واقعی نخبگان سیاسی میباشد که شهروندان سیستم سیاسی خود از طریق اجرلی آن ارزیابی میکنند.

اعتماد در رفتار نخبگان سیاسی در دموکراسی میتواند در شناسایی از ارزشهای اولیه و نهادهای دموکراسی اولگوی خوبی باشند در غیر اینصورت تمایل منفی مثل خود



خواهی ها، بی ملاحظه گی، فساد و وظیفه شناسی می‌توانند به نهادها و بنیادها سرایت کنند لذا بدین دلیل نمایندگان مجالس و صاحب کرسیان یک نقش خیلی مهم و بخصوصی در نگهداری و کارکرد و ثبات دموکراسی ایفا می‌کنند.

سیاست از گذار فرهنگ فیودالی و رعیتی به دموکراسی این گویش را بهبود و قابل سوی استفاده می‌داند که باید اول منتظر یک ساخت کامل فرهنگ سیاسی دمکراتیکی باشیم قبل از اینکه بنیاد و نهاد دمکراتیکی بوجود آوریم.

جمله ای "خلق برای دموکراسی آماده نیست" همیشه بهانه نخبگانی بوده که دموکراسی برای مردم نمی‌خواستند.

ایجاد موسسات و نهاد هلی دمکراتیکی همیشه وسیله مطمئن بوده که از طریق اکثریت وسیع مردم می‌توان فرهنگ سیاسی دمکراتیکی را توسعه بخشید. مثال اینکه شناکردن را آدم در آب یاد می‌گیرد.

باوجود اینکه ایجاد نهاد و موسسات دمکراتیکی و حکومت قانون بهترین شرایط برای رشد فرهنگ دمکراتیکی هستند اما تضمینی نمی‌باشد.

بهترین شرایط برلی رشد و ثبات تاریخی فرهنگ سیاسی دمکراتیکی می‌توانند درضمن ایجاد نهاد هلی دمکراتیکی هم عمل کرده ادارات دولتی و صاحب کرسیان (وزرا و غیره) و سیاسیون کشور، آموزش جامعه مدنی فعال باشند اگر این فاکتورها هم دست شوند و از توسعه آنها حمایت شوند ایجاد فرهنگ دموکراسی حتمی است.

آمادگی و عادات نخبگان سیاسی که حاضر هستند مصالحه خوبی با هر کسانی ببندند که اینها برای منافع مردم قدم بر میدارند و کار می‌کنند، سهم مهمی در حمایت از فرهنگ سیاسی دموکراسی می‌باشد.

لبته اینجا مصالحه خوب و با دلایل، نقش مهمی را بازی میکند و نه مثل یک معامله بازاری (تبانی) که فقط منافع شخصی و گروهی را در نظر می‌گیرد که اکثریت جامعه از ان متضرر میشوند.

### 13 - افهام و تفهیم، فراهم سازی مصالحه

در فرهنگ سیاسی مصالحه، زبان مصالحه هم مهم است تا مادامیکه حداکثری غلبه دارند در این صورت مصالحه بدست آمده فقط ناچیز و نا مساعد مطرح و حاصل عمل را به عنوان مصالحه نا سالم غلط و علامت ضعف و خیانت محسوب میکنند.

بنا بر این سیاسیون در گویش خود موظفند در میدان سیاسی، انتشارات و سیستم آموزش برای توسعه اعمال دمکراتیکی، زبان متناسب مصالحه را انتخاب و بکار ببرند و اصطلاحاتی مثل "تفاهم"، "مشمول"، "اتحاد" و "مقررات منصفانه" میتوانند در معنی های سیاسی برای مصالحه بکار برده شوند.

و دیگر اینکه موقعی مورد اعتماد قرار میگیرند که حتی در مشاوره های سیاسی و یا در مبارزات انتخاباتی طرفین مقابل و اشخاص سیاسی با احترام از هم یاد کنند.

موفقیت در آنجاست، موقعیکه در منازعه های سیاسی و مجادله ها، زبان قهقرایی و عقب افتاده و ناسزابه همدیگر جایگزین نباشد. هم چنین زبان منازعه سیاسی باید کاملاً روشن و واضح روحیه دموکراسی در آن نقش داشته باشد. یعنی اینکه مجریان در اخلاق و رفتار خود باید با انضباط باشند چون با کسانی که حالا در منازعه عمومی هستند، ممکن است در آینده مصالحه ببندند.

### نتیجه:

مصالحه های خوب و منصفانه عنصر هسته یی فرهنگ سیاسی دموکراسی بوده و آنها حاصل سیاست های عاقلانه می باشند و برای همین آنها اغلب منافع و خواست های مجریان را در طولی‌المدت تامین می کنند و برای قدرت نمایی موقتی نمی باشد. اینها اعتماد مجریان و جامعه را به همدیگر تقویه میکند و ثبات در دموکراسی را پایدار میسازد چون ارزشهای آن برای همیشه آشکار میشود. دموکراسی یک فرهنگ مصالحه مفیو خوب را فراهم کرده و اینها به همدیگر محتاج اند.